



گزارش «جوان» از وضعیت اسرای محکوم قضایی ایرانی در عراق با نگاهی به کتاب «ما هشت نفر»

۱۵ سال حبس با اعمال شاقه برای تهیه نقشه در سی!



■ احمد محمدتبریزی تا به حال کتاب‌های بسیاری در مورد اسارت و برخورد نیروهای عراقی با اسرا نوشته شده ولی در کمتر کتابی به موضوع اسرای محکوم قضایی پرداخته شده است. موضوع اسرای محکوم قضایی یکی از خرداد‌های مهم دوران اسارت به شمار می‌رود که شاید بسیاری از آن بی‌خبر باشند. از آاده خوزستانی «مسعود خرمی‌پور» هشت سال و نیم در عراق اسیر بود و همراه هفت نفر دیگر در گیر برونده‌ای قضایی و پیچیده در عراق می‌شود که حوادث و خاطرات منحصر به فردی را برایش رقم می‌زند. انتشارات پیام آزادگان با چاپ کتاب «ما هشت نفر» به جزئیات اتفاقاتی که در دوران اسارت برای این آزادگان افتاد، می‌پردازد و یکی از خاص‌ترین و جذاب‌ترین کتاب‌های منتشر شده در زمینه آزادگان را پیش‌روی خوانندگان قرار می‌دهد.

■ مگر اسیر را محاکمه می‌کنند؟

شاید برای برخی عجیب باشد که مگر اسیر را محاکمه می‌کنند؟ اسیر به نوعی زندانی است و مگر زندانی را دوباره محکوم می‌کنند؟ باید گفت طبق قوانین بین‌المللی اگر اسیری با انجام اعمالی، قوانین جاری اردوگاه یا کشور مربوطه را نقض کند، آن کشور می‌تواند با توجه به جرمی که اسیر مرتکب شده او را محاکمه یا زندانی نماید. اگر در طول مدتی که اسیر محکوم قضایی در حال سیری کردن دوره محکومیت خود باشد بین دو کشور درگیر صلح برقرار شود، تا زمانی که بین مقامات دو کشور برای تبادل آنها توافق صورت نگرفته باشد، اسیر محکوم قضایی ناچار از سسیری نمودن باقی‌مانده دوره محکومیت خود در زمان است. هر چند در جنگ ایران و عراق این موضوع اتفاق نیفتاد، اما از نظر قانونی چنین شرایطی وجود دارد.

نحوه محاکمه اسرایی که به هر علت به دادگاه فرخوانده می‌شدند غالب است. طبق قوانین بین‌المللی هر اسیر باید وکیل مدافع داشته‌واز طرف صلیب سرخ هم نظری به نحوه محاکمه نظارت داشته‌باشد. جز چند نفر از اسرای ایران در زمان جنگ، هیچ کدام نظری از صلیب سرخ نداشتند وکیل مدافع هم یکی از کارکنان بقیه دادگاه «لئوره» بود که در عمل نشان می‌داد هیچ رغبتی برای دفاع از آزادگان ندارد.

■ اسرای محکوم قضایی به چند دسته تقسیم می‌شدند؟

اما جالب است بدانید اسرای ایرانی محکوم قضایی در عراق به چند دسته تقسیم می‌شدند. عده‌ای از محکومان قضایی به این دلیل محکوم می‌شدند که از آنها در تفتیش‌های اردوگاه لوازمی که از نظر عراقی‌ها داشتن آن برای اسرا ممنوع بود، کشف می‌شد. در وهله اول این لوازم شامل انواع نوشته‌ها بود. منظور از نوشته‌ها تمامی متونی بود که از نظر عراقی‌ها ممنوع شمرده می‌شد. تصاویر نقاشی‌شده سران کشور، انواع نقشه‌ها، نقاشی‌های انقلابی و… از این جمله بودند.

عده دیگر فعالان فرهنگی، مذهبی و سیاسی اردوگاه بودند که اغلب این اشخاص توسط جاسوسان به عراقی‌ها معرفی می‌شدند. همچنین افرادی که باعث برهم زدن نظم و آرامش اردوگاه به وسیله قتل یا ضرب و جرح اشخاص خودی یا عراقی می‌شدند. این افراد کسانی بودند که با دیگر اسرا یا سربازان عراقی نزاع کرده یا با جاسوسان اردوگاه که مورد حمایت بعثی‌ها بودند در گیر شده و موجبات

ضرب و جرح یا قتل آنان را فراهم کرده بودند. عده دیگر را عراقی‌ها به عنوان محکوم قضایی معرفی کرده که در واقع هیچ‌گونه جرمی را مرتکب نشده بودند، اما برای تحت فشار قرار دادن کشور مقابل یا افزون به تعداد محکومان قضایی، آنها را نیز جزو همین دسته می‌آوردند. برای مثال می‌توان به بازگرداندن دو اتوبوس اسیر از اردوگاه «تکریت ۱» از سسر مرز، موقع تبادل اسرا اشاره کرد. آخرین گروه از محکومان قضایی، عده‌ای بودند که توسط نیروهای عراقی با فریب از سر مرز ریزوده شده و در واقع جزو هیچ کدام از گروه‌های فوق محسوب نمی‌شدند.

با این توضیحات از تعداد ۲۳۸ آزاده محکوم قضایی که مبادله شدند، کمتر از ۴۰ نفر از آنان در دادگاه «الئوره» بغداد مراحل قضایی خود را گذرانده و به محکومیت‌های از سه‌ماه تا حبس ابد محکوم شده بودند. حدود ۲۰ نفر از این تعداد اسرایی بود که هنوز نوبت دادگاهشان فرا نرسیده یا پرونده آنها در جریان قرار گرفته و هنوز حکمی برایشان صادر نشده بود. بقیه آنها اسرایی بودند که هیچ‌گونه جرمی مرتکب نشده بودند و عراقی‌ها فقط برای بالا بردن تعداد محکومان قضایی، آنها را به عنوان محکومان قضایی معرفی کرده بودند.

■ گروه فرهنگی اردوگاه چیست؟

اما ماجرای خرمی‌پور و هفت‌آزاده دیگر به عنوان محکومان قضایی چه بود؟ این آزاده خوزستانی از کودکی علاقه فراوانی به مطالعه کتاب‌های تاریخی و -جغرافیایی داشت. او با یک پستوانه مطالعاتی غنی، سال ۱۳۶۱ و در جریان عملیات رمضان در منطقه پرورش ماهی در نزدیکی‌های بصره به اسارت دشمن درآمد.

پس از چند سال دوری از کتاب و قلم، در اردوگاه

عراقی‌ها هنگام بردن روزنامه خیلی به سالم بودنشان دقت نمی‌کردند و بیشتر توجه‌شان به سالم بودن عکس صدام بود. روزنامه‌های عراقی هم بر خلاف روزنامه‌های ایرانی از نقشه زیاد استفاده می‌کردند و آزادگان با جدا کردن نقشه از روزنامه یا کشیدن آن روی یک کاغذ دیگر نقشه‌هایشان را تهیه می‌کردند. به مرور نقشه‌کشورهای مختلف کشیده می‌شد و وقتی تبادل اسرا اشاره کرد. آخرین گروه از محکومان قضایی، عده‌ای بودند که توسط نیروهای عراقی با فریب از سر مرز ریزوده شده و در واقع جزو هیچ کدام از گروه‌های فوق محسوب نمی‌شدند.

با این توضیحات از تعداد ۲۳۸ آزاده محکوم قضایی که مبادله شدند، کمتر از ۴۰ نفر از آنان در دادگاه «الئوره» بغداد مراحل قضایی خود را گذرانده و به محکومیت‌های از سه‌ماه تا حبس ابد محکوم شده بودند. حدود ۲۰ نفر از این تعداد اسرایی بود که هنوز نوبت دادگاهشان فرا نرسیده یا پرونده آنها در جریان قرار گرفته و هنوز حکمی برایشان صادر نشده بود. بقیه آنها اسرایی بودند که هیچ‌گونه جرمی مرتکب نشده بودند و عراقی‌ها فقط برای بالا بردن تعداد محکومان قضایی، آنها را به عنوان محکومان قضایی معرفی کرده بودند.

■ گروه فرهنگی اردوگاه چیست؟ اما ماجرای خرمی‌پور و هفت‌آزاده دیگر به عنوان محکومان قضایی چه بود؟ این آزاده خوزستانی از کودکی علاقه فراوانی به مطالعه کتاب‌های تاریخی و -جغرافیایی داشت. او با یک پستوانه مطالعاتی غنی، سال ۱۳۶۱ و در جریان عملیات رمضان در منطقه پرورش ماهی در نزدیکی‌های بصره به اسارت دشمن درآمد.

پس از چند سال دوری از کتاب و قلم، در اردوگاه

با مرحوم ابوترابی و رفت و آمدهای صلیب سرخ پای کتاب، دفتر و روزنامه را به اردوگاه باز می‌کند. آن زمان رسم هر گونه نقشه، مخصوصا نقشه منطقه خاورمیانه و خطوط مرزی ایران و عراق از نظر بعثی‌ها حرام بود. عشق به یادگیری و یاد دادن باعث شده بود تا خرمی‌پور و چند نفر دیگر از آزادگان تمام خطرات را به جان بخرند و به مطالعاتشان بپردازند.

دست‌رسی به نقشه در اردوگاه سخت و محدود بود ولی آزادگان راه چاره‌اش را پیدا کردند.



عراقی‌ها هنگام بردن روزنامه خیلی به سالم بودنشان دقت نمی‌کردند و بیشتر توجه‌شان به سالم بودن عکس صدام بود. روزنامه‌های عراقی هم بر خلاف روزنامه‌های ایرانی از نقشه زیاد استفاده می‌کردند و آزادگان با جدا کردن نقشه از روزنامه یا کشیدن آن روی یک کاغذ دیگر نقشه‌هایشان را تهیه می‌کردند. به مرور نقشه‌کشورهای مختلف کشیده می‌شد و وقتی تبادل اسرا اشاره کرد. آخرین گروه از محکومان قضایی، عده‌ای بودند که توسط نیروهای عراقی با فریب از سر مرز ریزوده شده و در واقع جزو هیچ کدام از گروه‌های فوق محسوب نمی‌شدند.

با این توضیحات از تعداد ۲۳۸ آزاده محکوم قضایی که مبادله شدند، کمتر از ۴۰ نفر از آنان در دادگاه «الئوره» بغداد مراحل قضایی خود را گذرانده و به محکومیت‌های از سه‌ماه تا حبس ابد محکوم شده بودند. حدود ۲۰ نفر از این تعداد اسرایی بود که هنوز نوبت دادگاهشان فرا نرسیده یا پرونده آنها در جریان قرار گرفته و هنوز حکمی برایشان صادر نشده بود. بقیه آنها اسرایی بودند که هیچ‌گونه جرمی مرتکب نشده بودند و عراقی‌ها فقط برای بالا بردن تعداد محکومان قضایی، آنها را به عنوان محکومان قضایی معرفی کرده بودند.

■ گروه فرهنگی اردوگاه چیست؟ اما ماجرای خرمی‌پور و هفت‌آزاده دیگر به عنوان محکومان قضایی چه بود؟ این آزاده خوزستانی از کودکی علاقه فراوانی به مطالعه کتاب‌های تاریخی و -جغرافیایی داشت. او با یک پستوانه مطالعاتی غنی، سال ۱۳۶۱ و در جریان عملیات رمضان در منطقه پرورش ماهی در نزدیکی‌های بصره به اسارت دشمن درآمد.

پس از چند سال دوری از کتاب و قلم، در اردوگاه

با مرحوم ابوترابی و رفت و آمدهای صلیب سرخ پای کتاب، دفتر و روزنامه را به اردوگاه باز می‌کند. آن زمان رسم هر گونه نقشه، مخصوصا نقشه منطقه خاورمیانه و خطوط مرزی ایران و عراق از نظر بعثی‌ها حرام بود. عشق به یادگیری و یاد دادن باعث شده بود تا خرمی‌پور و چند نفر دیگر از آزادگان تمام خطرات را به جان بخرند و به مطالعاتشان بپردازند.

دست‌رسی به نقشه در اردوگاه سخت و محدود بود ولی آزادگان راه چاره‌اش را پیدا کردند.

به قرآن قسم دادند که دروغ نگویند و سپس کیفرخواستی طولانی از اعمال خلاف این آزادگان قرائت کردند. از آنها سؤالاتی درباره اینکه چرا از مرحمت‌های رهبرشان صدام حسین در تهیه لوازمی برای آسایش و راحتی‌شان در اردوگاه‌اینگونه سوءاستفاده کردند؟ یا اینکه نظرشان در مورد آغازگر جنگ چیست و آیا ایرانی‌ها آغازگر جنگ بودند و به شهرها و مردم عراق حمله کردند؟ عراقی‌ها می‌خواستند با طرح چنین سؤالاتی گرفتاری بیشتری برای آزادگان درست و آنها را دشمن دولت و ملت عراق معرفی کنند.

■ حبس‌های چندین‌ساله برای جرم‌های واھی

قاضی در مورد الطاف صدام به اسرای ایرانی و دادن لباس، نان و آب صحبت و اعلام می‌کند چون پاسخ الطاف صدام را اسرای ایرانی نداده‌اند برخلاف میلشان باید محاکمه شوند و به اشد مجازات برسند. پس از صحبت‌های آزادگان، دادگاه تمام می‌شود و آنها دوباره به آسایشگاه برمی‌گردند تا جواب دادگاهشان بیاید. یکی، دو ماه بعد نوبت به دادگاه دوم می‌رسد که به خاطر حاضر نشدن شاهد، کار به دادگاه سوم می‌کشد.

در این دادگاه لیستی بلند بالا از اتهاماتی مثل نقض مستمر قوانین ارتش عراق در اردوگاه، اقدام علیه امنیت ملی عراق و برهم زدن نظم اردوگاه، اقدام به تهیه نقشه و تصاویر و متن از رجال سیاسی ایران، امام خمینی و انتشار آن در سطح اردوگاه به همراه چندین و چند اتهام دیگر سبب شد تا هشت آزاده ایرانی به حبس‌هایی بین ۱۵ تا پنج سال محکوم شوند. پنج نفر به هفت سال حبس با اعمال شاقه و دو نفر دیگر به ۱۵ سال حبس با اعمال شاقه محکوم شدند.

این هشت نفر برای گذراندن دوران حبس به زندان «محرر» می‌برسد. در زندان ایرانیان دیگری هم بودند. شرایط در زندان سخت‌تر از شرایط اردوگاه بود. پس از آمدن صلیب‌سرخ‌ها به این زندان که بخشی از زندان «الشید» بود، وضعیت برای آزادگان دریند ایرانی کمی بهتر شد.

اسرا را بعد از مدتی به زندان «مامن» انتقال دادند. در این زندان شرایط باز هم بهتر شد و زندانیان از رادیو، اوقات فراغت، زمانی برای کار کردن و برگزاری ادعیه هفته برخوردار بودند. عمر اقامت در این زندان هم کوتاه بود و ایرانی‌ها را به زندان «شروع» بردند.

تبادل اسرا، آزادگان را از اردوگاه‌ها و زندان‌های عراق نجات می‌دهد. هر چند آزادگان محکوم قضایی دیرتر از بقیه وارد مین شدند. آنها را در اردوگاه رماده ۹ نگه داشتند، جایی که مناقضین هم حضور داشتند و اسرا را وارد چالش با آنها می‌کرد. در نهایت با تلاش‌های دیپلماتیک ایران آزادگان محکوم قضایی مورد عفو قرار

گرفتند. دکتر ولایتی در مورد وضعیت تبادل اسرای باقی‌مانده می‌گوید: «طی هفته‌های آینده آزادی باقی‌مانده اسرا از دو طرف با ترتیب خاصی که تفاهم شده شروع خواهد شد و قرار شد در درجه اول اسرایی که از هر یک از دو کشور به هر علتی مورد محاکمه قرار گرفته‌اند، مورد عفو قرار گیرند.» بالاخره در پاییز سال ۱۳۶۹، ۲۳۸ آزاده ایرانی از بلاتکلیبی و زندان‌های بعثی رها می‌شوند و روزهای دلگیر پاییز به ناگاه برایشان روشن و امیدوارکننده می‌شود. بازگشت به میهن نوید روزهای خوش آینده را به همه می‌داد. آغاز یک زندگی دوباره برای آزادگانی که به ناحق طعم تلخ زندان‌های عراق را چشیدند.

گزارش

گزارش «جوان» از حال و هوای آخرین پنج‌شنبه سال در گلزار شهدا

حرف‌های خودمانی واژه واژه دل‌تنگی در کنار شهدا

مادر عصابی به دست دارد که نشان گذشت سال‌های طولانی و سخت بر این مادر قد خمیده دارد. معلوم است که با رحمت بسیار خودش را به شهیدش رسانده است. لحظاتی همراه مادر، هممان دانشجوی شهید پاسدار رضا محمدی می‌شویم که متولد ۴۴ است و اول بهمن ماه سال ۶۶ در ماووت عراق آسمانی شده است.

■ سنگ مزار

کمی بعد خانواده‌ای را می‌بینم که قلم و رنگ در دست، کنار مزار شهیدشان نشستند و با دقت سنگ‌نوشته‌های مزار شهید را ترمیم می‌کنند. گویی هیچ کاری مهم‌تر از آن ندارند جز رنگ‌آمیزی خطوط کمرنگ شده روی سنگ مزاری که باید برای همیشه تاریخ بماند. مانند تا بدانیم آنچه امروز داریم را مرهون خون شهید هستیم.

■ آب، آینه و قرآن

حلال و هوای عجیبی است، مادران و خواهران شهدا دست به کار شده‌اند تا نمانده‌های شهید و شهادت را که در قاب‌های آلومینیوم روی سنگ مزار از سال‌ها پیش محفوظ داشته‌اند، برای سال جدید تمیز و نووار کنند و گرد مانده‌هایشان را بزدایند. آینه، قرآن، تسبیح و فشنگ‌های خالی در کنار عکس شهیدان دیده می‌شود.



■ شهدای گمنام

به سراغ قبور شهدای گمنام می‌روم که مزار شهدای گمنام از مزار دیگر شهدا شلوغ‌تر است. همه مردم حوچ را خانواده این شهدا می‌دانند. هر کسی کاری می‌کند یکی قلم و رنگ به دست، دیگری گلاب و سبزه نوروژ در بغل به کنار مزار شهدای گمنام آمده است تا نگذارد تنهایی و غربت شهدای گمنام حس شود.

■ حور حالنا

اینجا شور و حال خاصی است، بسیاری معتقدند برای تحویل سال نو اینجا بهترین جای دنیااست. در کنار شهدا زمزمه «حور حالنا الحسن الحال» گفتن به دل می‌چسبد. اینجا گلزار شهداست. اینجا فضا

آکنده از «حمد و سوره»هایی است که بر زبان می‌رانیم، پر از حسرت‌هایی است که برای نبودن عزیزانمان می‌کشیم.

اما کاش خیلی‌ها قادر این امنیت را بدانند، کاش خیلی‌ها بفهمند برای حفظ هر وجب این خاک چه جوانانی گلگون کفن شدند، کاش بدانند حرکت زرمندگان مدافع

حرم در جبهه مقاومت اسلامی تداوم دفاع مقدس است که آن هم برگرفته از نهفت عاشورااست و کمتر زبان به طعنه و کنایه باز کنند.

■ صغری خیل فرهنگ

پنج‌شنبه آخر سال دلت برای همه آنهایی تنگ می‌شود که باید بهار را بی حضورشان آغاز کنی. دلت برای مادر بزرگ و پدر بزرگ‌ها و از دست رفتگانی تنگ می‌شود که یک روز در کنارت بودند و امروز آثار خوبی‌ها و محبت‌هایشان را در فصول زندگی‌ات حس می‌کنی، اما جای خالی و نبودن‌ها ایشان را پیش از همیشه می‌بینی. چه خوب این سنت حسنه میان ما جاری است. «پنج‌شنبه آخر سال» را می‌گویم. سنت دیرینه‌ای که بسیاری را به رسم علاقه و وابستگی به گذشتگان راهی گلزارها و مزارستان‌ها می‌کند. در این ایام ما هم به گلزار شهدا رفتیم. به یاد آنانی که برای دفاع از اسلام، کشور و حفظ ناموس، گرفتند تا برای همیشه تاریخ زنده بمانند.

■ گام‌های کوتاه

میان قبور شهدا نگاهم به مادری می‌افتد که با گل‌دانی از گل‌های بهاری به سراغ فرزند شهیدش می‌رود. چادر مشکی‌اش را به کمر گرفته و گام‌های کوتاه و لرزان‌ش را با سرعت بر می‌دارد. نزدیک مزار شهیدش



مادران و خواهران شهدا دست به کار شده‌اند تا نمانده‌های شهید و شهادت را که در قاب‌های آلومینیوم روی سنگ مزار از سال‌ها پیش محفوظ داشته‌اند، برای سسال جدید تمیز و نووار کنند و گرد مانده‌هاییشان را بزدایند. آینه، قرآن، تسبیح و فشنگ‌های خالی در کنار عکس شهیدان دیده می‌شود

که می‌شود، گل‌دان را بالای مزار می‌گذارند و با همان قد خمیده‌اش بوسه بر سنگ مزار شهید می‌زند. دست نوازش روی تصویر حک شده سنگ مزار می‌کشد و زیر لب درد دل‌تنگی‌اش را زمزمه می‌کند. حرف‌ها خودمانی می‌شود و اشک‌های جاری مادر واژه واژه دل‌تنگی را برایمان فریاد می‌زند.

■ عصابی پیری

کمی آن طرف‌تر مادری سبزه سال نو روی سنگ مزار فرزند شهیدش می‌گذارد. جلوتر می‌روم و نام شهید را می‌خوانم. پاسدار شهید رضا محمدی.

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۳۳۵

		۸	۹	۶	
		۴	۷		
		۹	۷		۵
			۳		
		۶	۵		۸
			۱		۳
		۵	۲		۱
		۷	۳	۹	
			۴	۹	۶

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های

کوچک سه‌رسه فقط یک‌بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۳۳۴

ا	س	ب	ا	ا	ب	و	ا	ا
ب	و	د	ا	س	ب	ا	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ب	و	د	ا	ب
ب	ا	و	ا	ا	ب	ا	ا	ا
ا	ب	ا	د	ب	ا	و	س	ا
ا	ب	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا
ا	ا	ا	ا	ا	ب	و	ا	ا

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۲	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۳	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۴	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۵	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۶	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۷	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۸	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۹	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۱۰	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۱۱	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۱۲	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۱۳	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۱۴	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی
۱۵	ب	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی	س	ی

از بالا به پایین

■ ۱- روش جدل و محاوره منطقی- وکیل عمومی ■ ۲- ترمز کشتی- دلف- پست- ۳- انتها- از ملزومات تهیه چای- برنده کوچک و حلال گوشت- شهرها ■ ۴- دهانه قطار- دستگاهی که قوه مکانیکی را به الکتریسیته تبدیل می‌کند- کاشف میکروب بسمل ■ ۵- صفر- برای تهیه مرکب چاپ از آن استفاده می‌شود- پایه و بنیاد ■ ۶- امتیاز ورزشی- زشت- با استعداد ■ ۷- اسلحه‌ای در شمشیربازی- مجموعه چند سیم روپوش دار- ته‌بندی کتاب ■ ۸- مادر لر- زن برادرشوهر- بهشت- پسوند خریدار ■ ۹- توپ برگشتی از سبد بسکتبال- نوعی غذا- داس شکسته ■ ۱۰- نام حضرت علی (ع) در زبان عبری- اثر امیل زولا- شاه‌اشکانی که اوستای پراکنده را مدنود نمود ■ ۱۱- واحد دارویی- درخشان و نورانی- حکمیت ■ ۱۲- عید ویتنامی‌ها- جهنم- پارک ■ ۱۳- تردید- شکستن- خانه آذری- رودی در چین ■ ۱۴- ارسال توپ به بازکن دیگر- از اقوام وحشی- برقرار و دایر ■ ۱۵- دستگاه تولید انرژی اتمی- سردار هخامنشی در نبرد با اسکندر